



ازدواج با افسرده

فرد افسرده در گذشته زندگی می کند و هنوز با خود کنار نیامده است. تصور نکنید با ازدواج خوب می شود. همچنین ازدواج با فرد خودشیفته، متکبر، کینه توز، وسواسی، خودخواه، شکاک، بی ایمان و معتاد توصیه نمی شود. ازدواج سنت با مدرنیته یا ازدواج مؤمن با بی ایمان هم نتیجه مطلوبی ندارد. ازدواج با شک و تردید، بدون تحقیق، بدون مشاوره، مبهم، سریع یا افرادی که دلنشین نیست هم پیشنهاد می کنم سمتش نروید.

ازدواج با دروغ و پنهان کاری

در این نوع افراد مسائلی را که باید بگویند پنهان می کنند و در نهایت، وقتی حقایق آشکار شد، رابطه فرو می پاشد.

در پایان باید بگویم که فرار از ازدواج و بالا رفتن آمار طلاق، تهدید نسل است. در خانه هایی که تکثیر نسل بود، جامعه پذیری به خوبی اتفاق می افتاد و بچه ها بلد بودند که با جامعه جدید ارتباط بگیرند و در خانواده های با شرایط جدید کنار بیایند. در خانه های پر جمعیت آمار طلاق پایین بود، اما با خلوت شدن خانه ها و گوشه گیری بچه ها، آمار طلاق بالا رفت. در خانواده های کم جمعیت بچه ها بلد نیستند تعامل کنند، فردگرا ر شد می کنند. خودش است و اتاقش و تختش! این تهدیدی است که درگیر آن هستیم و البته که از آن غافل هم هستیم.



ازدواج به دلیل لجبازی با والدین

گاهی که پدر و مادرها مخالف هستند، از آقا پسر می پرسیم چرا می خواهی با این خانم ازدواج کنی؟ می گوید: ببین آقای موسوی، پدر و مادرم هیچ وقت نگذاشتند من انتخاب کنم و به انتخاب های من احترام نگذاشتند، حالا این اولین باری است که می خواهم انتخاب کنم و با آن ها مخالفت کنم. خودش را به خاطر لجبازی توی چاه می اندازد.

ازدواج نابالغ به بلوغ نکاح

مورد داشتم در مشاوره ها که سه بار طلاق گرفته و باز دنبال ازدواج است، این فرد مشخص است که نباید ازدواج کند؛ چرا که هنوز به بلوغ نکاح نرسیده است، به بلوغ جسمی فرد رسیده، ولی ازدواج نه! این فرد پنجاه بار دیگر هم ازدواج کند، باز هم نمی تواند نگه دارد. این آدم به قول ارسطو ازدواجی نیست!

ازدواج یک طرفه

یک طرف می خواهد، ولی طرف دیگر نه! چه خوش بی مهر بانی هر دوسری... دقیقاً مثل طلاق یک طرفه.

ازدواج با مطالبات بالا

سالی که نکوست از بهارش پیداست. برخی با مطالبات بالا ازدواج می کنند و می خواهند همین روند را ادامه دهند. وقتی دیدید سطح مطالبات طرف مقابل خیلی بالاست، کنار بکشید؛ چه دختر، چه پسر.

ازدواج بدون شرایط

برای این مورد مثالی می زنم. خانمی است که مادری مریض دارد و بدون او نمی تواند زندگی کند، این شرایط خانم را شوهر نمی پذیرد. به عبارتی خانم شرایط ازدواج را ندارد.

ازدواج عاشقانه

این نوع از ازدواج با عشق شروع و معمولاً به طلاق ختم می شود. ازدواج باید عاقلانه شروع و سپس عاشقانه شود.

ازدواج خوش خیالانه

ما سه نقطه بین داریم، بدبین، خوش بین و خوش خیال که همان زود باور هم هست. با این نگاه اگر ازدواج کنی به سرعت به سمت طلاق می روی! نکته این طور ازدواج ها این است که مثلاً در یک ازدواج سنتی، طرف بعد از یک هفته به نتیجه می رسد که گزینه مناسب است، آن هم صد درصد. این درست نیست.

ازدواج باریک و خطر پذیری بالا

گاهی وقتی دختر و پسر برای مشاوره مراجعه می کنند می گویم که این ازدواج ریسک بالایی دارد، ولی باز هم ازدواج می کنند و بعد از مدتی می آیند و می گویند: شما گفتید! مثل اینکه دختر و پسر هردو عصبی مزاج هستند. خب این ها معلوم است که با هم نمی توانند زندگی کنند.

ازدواج بدون عطش

ازدواج سه شرط دارد. عطش، عزم و شرایط. کسی که تشنه ازدواج نیست، احتمال رسیدنش به طلاق زیاد است. پیشنهاد من این است که دختر و پسر برای ازدواج یک زمانی را مشخص کنند و در آن زمان سعی کنند به نتیجه برسند نه اینکه سال ها دنبال یک دختر بگردند و به نتیجه ای هم نرسند. بعضی ها نه جسارت زندگی دارند و نه جسارت طلاق، نمی توانند تصمیم بگیرند. این ازدواج ها نتیجه نداشتن عزم و تصمیم جدی است.